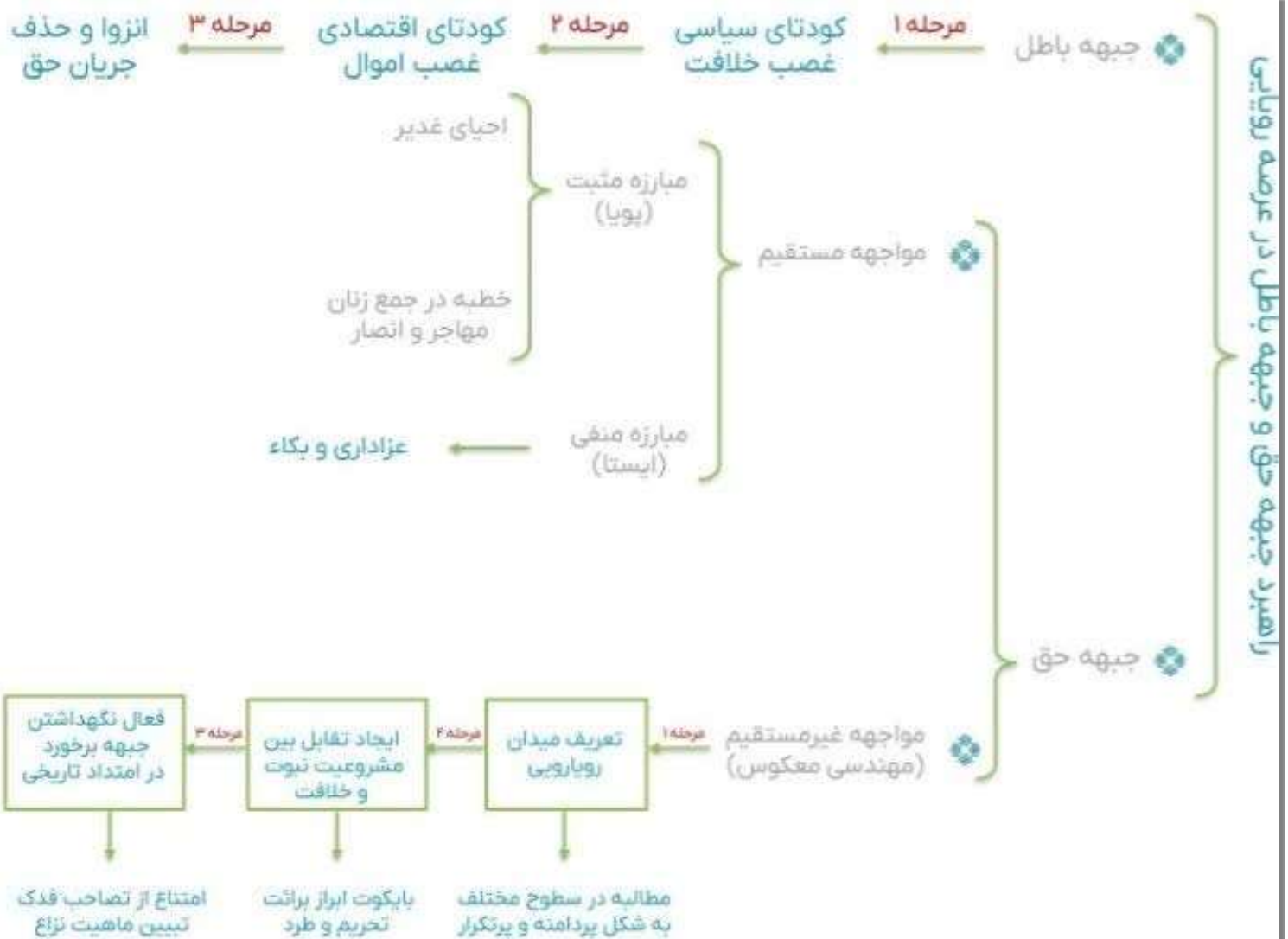


# بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه بیست و پنجم

جانمایی مسئله فدک و سایر حقوق و خطبه فدکیه در صحنه جبهه حق و باطل



فاطمه زهرا سلام الله علیها در میدان مبارزه با طغیان گران یک راهبرد بسیار دقیق و هوشمندانه را مورد اجرا قرار دادند و بدون عفو یک بار با مواجهه مستقیم با دستگاه خلافت که توضیح دادیم. یک مواجهه هم غیر مستقیم بود که این مواجهه به نفع مهندسی معکوس بود. در این مواجهه حضرت بر اساس راهبرد دشمن عمل کردند. به نحو مهندسی معکوس؛ یعنی روشی که به نحو معکوس از همان طریق به دشمن حمله میکنیم. بحث روش‌های مهندسی معکوس، دامنه آن خیلی وسیع است؛ مثلاً قرآن وقتی شخصیت شیطان را تبیین می‌کند، روش‌ها و تاکتیک‌هایش را شرح می‌دهد. یکی از اهداف مهم این است که ما این روش‌ها را یاد بگیریم و مهندس معکوس کنیم؛ مثلاً برای نمونه روش گام به گام را ذکر کردیم. قرآن این موضوع را زیاد تکرار می‌کند که شیطان گام به گام جلو می‌آید و یک دفعه شما را به سمت معصیت نمی‌برد. این بیانش برای چیست؟ برای این است که این روش، روش خوبی است. شیطان، این روش را برای باطل و برای انحراف استفاده می‌کند، شما در راه حق استفاده کنید. و همین کار را ما به نحوی بسیار جالب و موفق در مسئله تدریج احکام می‌بینیم که همین مسئله گام به گام بودن رشد است. همان طور که فساد و ضلالت گام به گام است، رشد و هدایت هم به همین نحو است. به هر حال حضرت از همین روش استفاده کردند. در مواجهه غیر مستقیم، نکته اول، روش تبدیل تهدید به فرصت است. به جای این که ایشان با اصل خلافت مواجه بشوند و رودرروی خلافت قرار بگیرند که در روش قبل بود، به اهداف میانی و اهداف نهایی ضربه می‌زنند و آن‌ها را به چالش می‌کشند؛ مثل جنگ‌های نظامی وقتی که سنگر به سنگر این دستاوردهای جبهه مقابل فتح شد؛ یعنی میدان و صف مورد تهاجم و تسخیر قرار گرفت آن گاه در آخرین مرحله چه می‌کنیم؟ حمله به ستاد راهبری می‌بریم. این جا هم همین اتفاق افتاد و حضرت ابتدا آن سنگرهای نهایی که آن‌ها به خیال خودشان تصرف کرده بودند را مورد حمله قرار دادند و در نهایت رسیدن به اصل مسئله خلافت و چالش

مشروعیت و تزلزل مشروعیت برایشان درست کردند؛ بنابراین در این راهبرد که ابتدای کار است، انتهای کار طرف مقابل آخرین مرحله است. ملاحظه فرمودید در این نمودار هم هست آخرین مرحله انزوا و حذف کامل جریان حق است. دستگاه خلافت، اولاً با قصد قدرت و بعد هم غصب ثروت و در نهایت با شگردهای تبلیغاتی؛ مثل جعل احادیث و ابزارهای اعتبار بخش؛ مثل همراهی خواص و این که ما اکثریت هستیم جمعیت با ما هستند و این که افکار عمومی همه با ماست، تعبیر مسلم را که همان مثلث "زر و زور" است، تکمیل کرد و با تمام توان در مقابل جبهه حق ایستاد که او را کامل سرکوب کند و از صحنه خارج کند. در مقابل، حضرت زهرا سلام الله علیها با استفاده از تمام ظرفیت های مبارزه که حتی مقوله عزا و بکاء و حقوق مالی غصب شده تمام ابزار به کار گرفت تا حداکثر تکاپو را در صحنه تقابل انجام بدهند؛ یعنی آن ها قرار بود حق را حذف و کاملاً از صحنه خارج کنند و جریان مقابل را به سکوت بکشانند. در مقابل، حضرت زهرا سلام الله علیها فریاد زدند و حرکت کردند و از تمام فرصت ها برای احقاق حقوق و بیان مظالم حکومت جور و اعتراض به غاصبین بهره بردند. این قدم اول بود که جبهه حق اصل فعالیت و پویایی خودش را حفظ کند و در مرحله اول آن سنگر انتهایی که قرار بود دشمن به آن برسد را کامل خفه کنند و کلاً خانه نشین بشوند. در مقابل آن ها ایستادند و این مرحله اول بود.

مرحله دوم، مرحله تعریف میدان رویارویی است. این مرحله در واقع بزنگاه همه اقدامات مبارزاتی حضرت بر علیه غاصبین است. این جا دیگر بزنگاه است؛ یعنی به قول معروف "گل سرسبد حرکت های حضرت اینجاست." که در مسئله فدک و خطبه فدکیه کجا قرار می گیرد. در واقع پازل مبارزاتی حضرت زهرا سلام الله علیها چه ارزشی دارد؟ جایگاهش کجاست؟ دقیقاً همین جا خودش را نشان می دهد. در مسئله فدک جبهه مقابل چه کار کرد؟ یک کودتای اقتصادی انجام داد و همه حقوق مالی را غصب کرد. در همین مسئله

غصب حقوق مالی، جبهه تقابل و مخاصمه و رویارویی را این جا قرار دادند؛ یعنی آن جبهه اصلی که خلافت با خودش مواجه دید همین مسئله است. این یک ویژگی داشت این مسئله خصائصی دارد، مسئله مطالبات مالی و حقوقی که از حضرت غصب کردند؛ مثلاً فرض کنید که مسئله غدیر یا جریان آن چیزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند یا مباحث دیگری که مباحث اعتقادی یا اجتماعی باشد و حتی مبارزات منفی که با عزاداری انجام دادند، خصیصه این مطلب این بود که اولاً این مطلب؛ یعنی مسائل مالی، مسائل عینی و خارجی است. فدک در گذشته و در حال حاضر هم یک مکان معلوم و ابعاد مشخص دارد و این مسئله از نظر مکانی و خصوصیات جغرافیایی ابهام ندارد. الآن ما بعد از ۱۴۰۰ سال کاملاً اطلاع داریم و هنوز آثارش هست. این جبهه مناظره، جبهه‌ای نیست که بشود در آن "اگر و اما" گفت. این موضوع خودش را تعریف می‌کند. یک جبهه‌ای است که به تمام معنا معین و روشن است و هیچ‌گونه ابهامی در اصل دعوا نیست؛ فرض کنید راهیان نور را که به مناطق جنگی می‌برند، قابل انکار نیست. این آثار جنگ است که نگه داشته‌اند. برای چه نگه می‌دارند؟ برای این که آن حافظه تاریخی بتواند یک نقطه مرجع پیدا کند که اگر کسی خواست کم و زیادش بکند، بگوییم این صحنه همین است. بهترین نقطه برای طرح مبارزه و آتش پر حجم روی آن همین جا است.

نکته دوم که چرا این قضیه از طرف حضرت زهرا سلام الله علیها برای نقطه تقابل و درگیری انتخاب شد، این بود که اصولاً مسائل بیت المال و اموال الان هم همین طور است، مردم عادی کوچه و بازار خیلی به مسائل سیاسی و اجتماعی اعتنایی ندارند؛ ولی کافی است کسی پولی را اختلاس کند، در تمام جهان ابعاد وسیع اجتماعی پیدا می‌کند. مسائل مالی به خصوص در سطح بیت المال و ... در جامعه به خوبی در ذهنشان می‌ماند. مردم نسبت به منافع مادی خودشان خیلی حساس‌اند و در گفتار روزمره عمده چیزی که مورد اعتراض قرار می‌گیرد، مسائل مالی است؛ ولی به ضربات فرهنگی وارد شده به جامعه خیلی کار

ندارند. در مسائل مادی خیلی خوب می‌توان مانور کرد؛ یعنی این یک جبهه‌ای است که جبهه به یاد ماندنی است؛ یعنی همیشه برجسته است. در خانه‌ها و داخل جلسات خصوصی و خانوادگی هم از آن بحث می‌شود. آمده که حضرت زهرا سلام الله علیها به خلیفه می‌فرمودند: «این مال مردم، این بیت المال مال ماست.» همین مقدار که زنده است تمام نشانه‌هایش این است که تا حالا باقی مانده است. غدیر را انکار کردند و بعضی گفتند دروغ است. به یک نقل تاریخی تمام و خفه‌اش کردند؛ ولی فدک را نتوانستند خفه کنند. تاریخ که گزارش خیلی زیادی ندارد یا اگر داشته باشد انواع و اقسام گزارش‌ها و ارتباطی که به آن موقعیت‌های مکانی و جغرافیایی پیدا میکند است و تاریخی که کاملاً مشخص است، دارد. این هوشمندانه عمل کردن در جبهه مقابله است و این بهترین نقطه است که می‌شود تا قیام قیامت روی آن کار کرد و ذهن همه انسان‌ها را به آن متوجه کرد. از قبیل آن ما زیارت‌گاه زیاد داریم، جاهایی که از نظر تاریخی قدمت دارد. اما مثلاً کعبه را خدا قرار داده. این اماکن علیرغم یک دست تغییراتی که داشته‌اند باز هویت اصلیشان را حفظ کردند و شما وقتی وارد آن فضا می‌شوید، ناگهان خودتان را در صدر اسلام احساس می‌کنید، این در واقع امری است که عمومیت هم دارد. این جا هم همین طور اتفاق افتاده، خصیص این است که مردم ذهنشان نسبت به این مسئله فعال است و ماندگار است و گفتگو می‌کنند و بحث می‌کنند و سوال می‌کنند چه شد؟ آن چه اشاره شد مال همین است که ذهن جامعه فعال بود نسبت به آن و سوال بزرگی بود.

نکته سوم این که حالا این مسئله به این اهمیت، یک شخصی مثل زهرا اطهر سلام الله علیها با آن عظمت می‌فرمایند: «مال، متعلق به من است.» این جا دیگر خیلی امر برجسته می‌شود، مگر می‌شود؟ بالاخره مردم از طرفی می‌گویند: این مال برای مردم است، اجازه بدهید در اموال عمومی باشد. این سوال بزرگ در ذهن جامعه شکل می‌گیرد که پس قضیه چه بود که زهرا مرضیه سلام الله علیها که خودش مظهر و اسوه زهد و ورع و بی

رغبتی به دنیاست، این ها کسانی هستند که دنیا را سه طلاقه کردند. اصلاً در مورد این ها مسائل مادی و مطامع دنیوی معنا ندارد، چه سوال بزرگی و چه موج اجتماعی سنگینی! حضرت با این مقدمات و این سویه‌های مختلفی که این مسئله دارد ایجاد می کند چه جبهه پرتکاپو و پر هیاهویی ایجاد کردند! واقعاً انسان فارغ از مسئله عصمت، در واقع انتصاب به شخصیت یک زن نابغه است. کارهایی که کردند، عجیب است. اصلاً همین کار ایشان، یک کاری است که باید پای درس آن بنشینیم. از این ها می توان بحث‌های سیاسی و متدهای روش‌های مبارزه و در واقع روش های رویارویی اجتماعی و فعالیت های اجتماعی را درآورد. این موضوع را به مسئله اول در زمان خودش تبدیل کردند. بعضی‌ها اعتراض کردند؛ حتی از علمای اهل سنت که این گزارشات تناقض دارد، یک جا می فرماید: خودشان رفته اند، جای دیگر آمده: با عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفته‌اند یا با امیرالمؤمنین علیه السلام رفته اند، اعتراض جمع نیست؛ ولی ذهنیت این است که مثلاً یک دفعه، دو دفعه، نه تعدد گزارش‌ها و نقل ها اثباتی نیست؛ بلکه ثبوتی است. به تعبیر آقایان؛ یعنی واقع متعدده اتفاق متعدد بوده، یک اتفاق بوده است؛ ولی چند گزارش متضاد از آن نقل شده است. مسئله خمس، خمس خیبر بود که در حوالی فدک بود. همه این ها را از هر فرصتی استفاده می کردند و می رفتند پیش ابوبکر و عمر و دیگران، همه تکرار می کردند. حضرت این موارد را آن قدر با شکل‌های مختلف و با برخوردهای مختلف تکرار کردند که در کتاب تاریخ مدینه که کتاب بسیار معتبر قرن سه، بیش از ۳۰ گزارش در مورد این موضوع دارد. خیلی عجیب است، واقعاً بیش از ۳۰ گزارش و نقد در مورد این واقعه در سطوح مختلف و در مقدمات و این در واقع سویه‌های مختلفی که این مسئله دارد، ایجاد می کند، چه جبهه پرتکاپو و پر هیاهویی ایجاد کرده‌اند! واقعاً انسان فارغ از مسئله عصمت و فارغ از مسئله در واقع انتصاب به شخصیت یک زن نابغه است و فوق العاده است، الان در منابع ملاحظه فرمایید، می بینید که یا نقل نکردند یا نقل کردند و

دست به توجیه زدند؛ مثل غدیر نتوانستند انکارش کنند که بعضی از علمای ما و بعضی از اهل سنت اعتراض کردند که چرا شما در مورد عاشورا تا سوم چقدر عزاداری می کنید؟ انصافاً یک در واقع لطافت خاصی دارد و یک ظرافت فرموده بودند که ما در مورد غدیر سروصدا نکردیم شما انکارش کردید، در مورد عاشورا این قدر سروصدا می کنیم که دیگر کسی نتوانست آن را انکار کند. این دقیقاً از همین مقوله است؛ یعنی چنان هیاهویی به پا کرده زهرای مرضیه سلام الله علیها در مورد فدک که دیگر نتوانند انکار کنند و این جا را نقطه تقابل قرار داده اند. به هر حال حضرت در قدم اول با یک اقدام سنگین و پر حجم در مورد حقوق مالی به خصوص مسئله فدک که خیلی برجسته شده و در واقع به این عنوان مجموعه حقوق مالک در واقع به فدک در واقع خلاصه می شود. با این عنوان و با کثرت مراجعات و مباحثات در واقع میدان مواجه اصلی با دستگاه خلافت و غاصب را در واقع همین موضوع تعریف کردند و آن را برجسته کردند و از یک ادعای مالی شخصی که حتی بعضی ها هنوز هم خیال می کنند چنین چیزی بوده، به عرصه تقابل رذایل و فضائل و تراحم حق و باطل کشانده شد و درواقع خلاصه کلام این که فدک با تدبیر زهرای مرضیه سلام الله علیها تبدیل به یک سمبل و یک رمز تاریخی از مبارزه با غاصبین و مظالم شان و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام تبدیل شد.

حوزه مجازی مهندسی طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)

شبکه های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم